خبر

معاون استاندار گلستان:
گلستان و تهدید ریزگردها

معاون سیاسی و امنیتی استاندار گلستان با بیان اینکه ریزگردها گلستان را تهدید می‌کند تأکید کرد: محیط‌زیست به‌تنهایی نمی‌تواند از عهده حفاظت برآید و مردم باید به کمک محیط‌زیست بیایند.علی اصغر طهماسبی ظهر پنج شنبه در آیین تودیع و معارفه مدیر کل محیط زیست استان گلستان اظهار کرد: نشست های تکریم و معرفی خادمان ملت فرصتی است تا دستاوردهای انقلاب اسلامی را بیان و ترسیم کنیم.وی با یادآوری اینکه نخستین مصوبه دولت یازدهم محیط زیستی بود و حفظ و حراست از دریاچه ارومیه را در دستور کار قرار داد، افزود: حفظ و صیانت از محیط زیست به اندازه انرژی خورشیدی برای ما حائز اهمیت است و ما باید از آب و خاک خود حفاظت کنیم و این مهم جزء با تلاش شما کارکنان محیط زیست میسر نیست.معاون سیاسی و امنیتی استاندار گلستان به اهمیت محیط زیست و تاثیر آلودگی ها بر سلامت انسان هم اشاره کرد و ادامه داد: اگر به دستورات دینی و قرآنی توجه کنیم می توانیم به راحتی پیرامون مسائل محیط زیست اندیشه کنیم و در کنار مسئولان که محیط زیست را اولویت خود می دانند قرار گیریم.وی با یادآوری اینکه فعالیت های اقتصادی باید پیوست محیط زیستی داشته باشند، متذکر شد: اگر این پیوست را در نظر نگیریم باید چندین برابر هزینه کرده تا بتوانیم مشکلات آینده را برطرف کنیم.وی از وجود ۱۷ هزار حلقه چاه غیر مجاز در استان گلستان به عنوان یک چالش در حوزه محیط زیست نام برد و تصریح کرد: هم اکنون ریزگردها گلستان را تهدید می کنند و محیط زیست به تنهایی نمی تواند از محیط زیست صیانت کند و نیاز است مشارکت های مردمی را در این حوزه به خدمت بگیریم.

ایمن سازی تکایای میدان عباسعلی گرگان برعهده شهرداری نیست

معاون عمرانی شهردار گرگان گفت: ایمن سازی تکایای میدان عباسعلی گرگان که چندی پیش دچار حریق شد برعهده شهرداری نیست. به گزارش مهر، در تاریخ ۲۹ شهریور حریق در تکیه قدیمی میدان عباسعلی و چند مغازه، زنگ خطر ایستگاه آتش نشانی گرگان را به صدا درآورد و آتش در دقایق اولیه مهار شد. با گذشت چند روز از حادثه، صاحبان مغازه های میدان، درخصوص ایمنی دیوارهای طبقه بالایی مغازه ها احساس خطر کردند و مراتب را به شهرداری، میراث فرهنگی و آتش نشانی گوشزد کردند و طبق گفته آن ها جوابی نشنیدند.معاون‌عمرانی شهرداری گرگان گفت: چون تکایا ملک خصوصی است و متعلق به شهرداری نیست، شهرداری نمی تواند وارد عمل شود. علیرضا حاج محمدعلی تصریح کرد: محکم سازی اولیه و نصب داربست توسط شهرداری انجام شده زیرا معبر، معبر شهرداری است و باید مردم را در مقابل خطر محافظت کرد. حاج محمدی گفت: در چنین مکانی با قدمت بالا مالکان برای بازسازی باید مجوزهای لازم را از دستگاه های ذی ربط بگیرند و سازمان اوقاف یا میراث فرهنگی باید وارد عمل شوند.

۱۴۲ ماشین حمل زباله به دهیاری‌های گلستان تحویل شد

مدیرکل امور روستایی و شوراهای استانداری گلستان با اشاره به واگذاری۱۴۲ماشین حمل زباله به دهیاری‌های استان گفت: در مراسمی ۸دستگاه‌خودروی نیمه‌سنگین به دهیاری‌های استان گلستان برای جمع‌آوری زباله واگذار شد. به گزارش تسنیم، علی نصیبی در مراسم واگذاری خودرو به دهیاری‌ها اظهار داشت: در راستای جمع‌آوری بهداشتی زباله‌ها در روستاها ۸ دستگاه خودروی کمپرسور نیمه‌مکانیزه به دهیاری‌های استان واگذار شد که ۱۲ میلیارد ریال هزینه شده است. وی تاکید کرد: این اعتبار از بند و تبصره ۶ قانون بودجه دهیاری‌ها و استانداری‌ها تحویل شده است. مدیرکل امور روستایی و شوراهای استانداری گلستان اظهار داشت: با تحویل این دستگاه‌ها ۹۴ درصد پسماند روستاها به صورت بهداشتی جمع‌آوری می‌شود و در نقاط مشخص دفع بهداشتی می‌شوند.

بیمارستان طالقانی گرگان جا به جا می شود

معاون بهداشتی دانشگاه علوم پزشکی گلستان گفت: بر اساس بازدید معاون وزیر از بیمارستان طالقانی قول هایی برای جابه جایی این بیمارستان داده شد.

به گزارش مهر، محمد رضا هنرور در حاشیه جلسه هیئت رئیسه دانشگاه علوم پزشکی در خصوص جا نمایی بیمارستان طالقانی گرگان، تصریح کرد: بر اساس بازدید معاون وزیر از بیمارستان طالقانی قول های جهت جابه جایی این بیمارستان داده شده که نیاز به مجوز وزارت خانه و جانمایی ساخت بیمارستان جدید دارد. وی اظهار کرد: در مراجعات بیمار به پزشک مردم نیاز به متخصص دارند و باید برای این موضوع نوبت بگیرند اما مردم بر اساس تشخیص و سواد پزشکی خود تصمیم می گیرند که به کدام پزشک مراجعه کنند و گاهی مجبور هستند چند بار به پزشک خود مراجعه کنند. وی افزود: این موضوع باعث می شود تا به لحاظ هزینه های اقتصادی باری بر دوش دولت و مردم گذاشته شود و اطلاعاتی در اختیار بخش سلامت قرار نمی گیرد. معاون بهداشتی دانشگاه علوم پزشکی گلستان و رئیس مرکز بهداشت گرگان گفت: بر اساس تحقیقاتی که وزارت بهداشت برای اجرای نظام ارجاع الکترونیک انجام داده ۱۰ دانشگاه علوم پزشکی به شکل پایلوت مجری این طرح شدند و استان گلستان در انجام در نظام ارجاع الکترونیک پیش رو است.وی با بیان اینکه نظام ارجاع الکترونیک حدود ۱۵ الی ۲۰ درصد هزینه را کاهش خواهد، افزود: صحبت در مورد کاهش هزینه های نظام ارجاع الکترونیک زود است و به یک سال زمان برای برآورد نتایج این طرح نیاز است تصور من این است که ۱۵ تا ۲۰ درصد این طرح کاهش هزینه ها در بردارد. هنرور از مجوز دو بیمارستان ۵۰۰ تخت خوابی در گرگان خبر داد و اظهار کرد: با تلاش های صورت گرفته مجوز ساخت بیمارستان ۸۰۰ تخت خوابی در شهرستان گنبد کاووس مطرح است.

جولانِ المان های بی هویت در گرگان

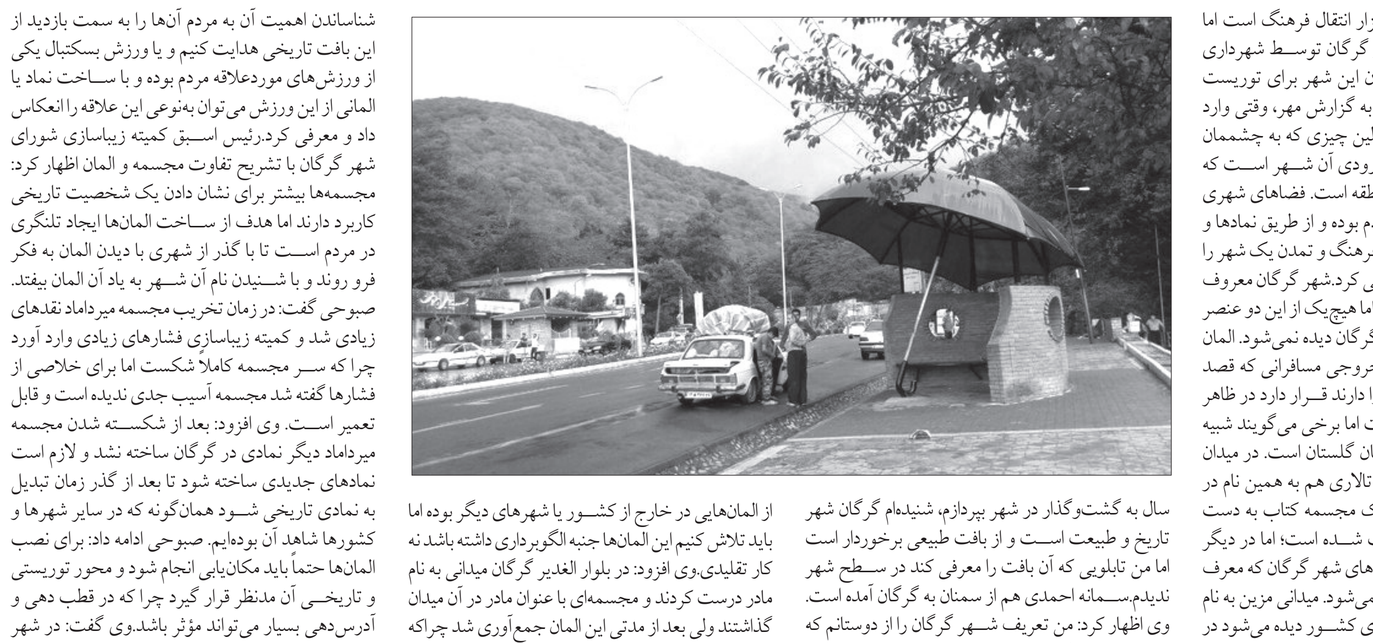

المان های شهری یکی از ابزار انتقال فرهنگ است اما ساخت نمادهای نامفهوم در گرگان توسط شهرداری موجب شده فرهنگ و تمدن این شهر برای توریست ها و مسافران ناشناخته بماند. به گزارش مهر، وقتی وارد یک شهر جدید می‌شویم اولین چیزی که به چشممان می‌آید نمادها و المان‌های ورودی آن شهر است که معرف شهر و فرهنگ آن منطقه است. فضاهای شهری محل تعاملات اجتماعی مردم بوده و از طریق نمادها و المان‌های مخصوص می‌توان فرهنگ و تمدن یک شهر را به توریست‌ها و مسافران معرفی کرد.شهر گرگان معروف به شهر تاریخ و طبیعت است، اما هیچ‌یک از این دو عنصر در المان‌ها و نمادهای شهری گرگان دیده نمی‌شود. المان میدان بسیج که در مسیر خروجی مسافرانی که قصد رفتن به ساری و یا تهران را دارند قرار دارد در ظاهر شبیه به سازه‌ای فیزیکی است اما برخی می‌گویند شبیه به پنبه نماد طلای سفید استان گلستان است. در میدان فخرالدین اسعد گرگانی که تالاری هم به همین نام در آن میدان قرارگرفته است یک مجسمه کتاب به دست از خالق «ویس و رامین» نصب شده است؛ اما در دیگر نقاط شهر هیچ خبری از نمادهای شهر گرگان که معرف دیار دارالمؤمنین باشد دیده نمی‌شود. میدانی مزین به نام و المان «مادر» در اکثر شهرهای کشور دیده می‌شود در شهر گرگان هم میدانی به نام مادر وجود داشت که به دلیل ضعف در ساخت و معرفی آن اکنون خبری از آن نیست. گرگان زمین مشاهیر برجسته زیادی را در دل خود جای‌داده است که علاوه بر دو ویژگی تاریخی و طبیعت بکر گرگان می‌توان از این مشاهیر و مفاخر هم به‌عنوان نماد استفاده شود. در میدان معلم گرگان هم تندیسی از میرداماد عالم و دانشمند بزرگ گرگانی قرار داشت اما هنگام ساخت زیرگذر تندیس این عالم برجسته دچار آسیب شد. نمادها و المان‌های شهری خاصیتی دارند که می‌توانند تا مدت‌ها به شکل سمبلیک مشخصه‌ای برای شناخت شهر به کار روند و چنان اثری در بیننده بگذارند که با هر بار شنیدن نام آن شهر ناخوداگاه ویژگی‌ها و شاخصه‌های شهر مورد نظر خود را در قالب آن المان به خاطر بیاورد یا حتی خود این نمادها و المان‌ها در گذر زمان به اثری تاریخی تبدیل شوند و منجر به آوازه منطقه خود شوند.رامین طرقی یکی از مسافرانی است که به‌تازگی وارد شهر گرگان شده است، پاکیزگی شهر و وجود فضای شهری زیبا از گرگان خاطری خوش در ذهن این مسافر مشهدی ساخته است. وی گفت: نام‌گذاری خیابان‌های شهر به نام ماه‌های سال برایم جالب بود اما من در حین ورود به گرگان هیچ تابلو، المان یا نماد خاصی که معرف این شهر باشد را ندیدم. طرقی ادامه داد: تقریباً سالی سه بار از گرگان عبور می‌کنم و شاید یک‌بار در سال به گشت‌وگذار در شهر بپردازم، شنیده‌ام گرگان شهر تاریخ و طبیعت است و از بافت طبیعی برخوردار است اما من تابلویی که آن بافت را معرفی کند در سطح شهر ندیدم.سمانه احمدی هم از سمنان به گرگان آمده است. وی اظهار کرد: من از تعریف شهر گرگان را از دوستانم که در این شهر زندگی کرده‌اند شنیده‌ام اما برایم عجیب است که هیچ المان یا نماد خاصی برای این همه فخرآفرینی وجود ندارد. وی تصریح کرد: من با دیدن باغمزار استاد لطفی متأثر شدم که چنین شخصیت برجسته هنری که در گرگان خفته است اینگونه بی‌توجه واقع شده و ساخت یک تندیس و نام‌گذاری یکی از میادین شهری حداقل کاری است که می‌توان در مورد وی انجام داد. به سراغ تعدادی از کارشناسان مدیریت شهری رفتیم و نظر آن ها را در این رابطه جویا شدیم.احسان اکبری، کارشناس مدیریت شهری در رابطه با المان‌های شهر گرگان گفت: بحثی که در شهر گرگان مطرح است این است که در مکان‌هایی میدان‌داریم که اصلاً جای میدان نبوده و باید برداشته شود در نتیجه المانی هم نباید در آن منطقه وجود داشته باشد.وی افزود: نباید به المان‌ها تنها به‌عنوان یک شی فیزیکال نگاه شود چرا که در شهری مانند گرگان؛ نهارخوران و بافت تاریخی یک المان محسوب می‌شود که باید در سطح شهر معرفی شود. اکبری بیان کرد: ما نباید تصور کنیم حتماً باید در میانه میدان چیزی بگذاریم و این نماد شهرمان است، ما باید نگاه درست به موضوع المان‌های شهری داشته باشیم.

وجود المان هایی تقلیدی در گرگان

این کارشناس مدیریت شهری افزود: در برخی از مناطق شهر گرگان هم المان‌هایی ساخته‌شده‌است که جنبه تقلیدی از المان‌هایی در خارج از کشور یا شهرهای دیگر بوده اما باید تلاش کنیم این المان‌ها جنبه الگوبرداری داشته باشد نه کار تقلیدی.وی افزود: در بلوار الغدیر گرگان میدانی به نام مادر درست کردند و مجسمه‌ای با عنوان مادر در آن میدان گذاشتند ولی بعد از مدتی این المان جمع‌آوری شد چراکه شکل ظاهری مناسبی نداشت.

ساخت المان باید حساب شده باشد

اکبری گفت: ساخت و طراحی المان باید از قبل حساب‌شده باشد و ببینیم فلسفه ساخت این المان‌ها چیست، چه هدفی را از ساخت آن‌ها دنبال می‌کنیم چرا که ویژگی خاص هر سکونت‌گاهی با المان می‌تواند مطرح شود.وی اظهار کرد: به گرگان شهر تاریخ و طبیعت گفته می‌شود و المان‌هایی که در سطح شهر قرار است ساخته شود باید مبتنی بر این دو ویژگی باشد تا برای افرادی که وارد شهر می‌شود این نمادها معرفی شهر شود.اکبری با اشاره به المان ساخته‌شده در میدان بسیج گرگان اظهار کرد: باید در مبادی ورودی شهر کارهای اولویت‌داری انجام دهیم چراکه نقش شناسنامه فرهنگی شهر را دارد و معرف و گویای تمدن شهر است.مهدیه صبوحی، کارشناس معماری و شهرسازی اظهار کرد: المان یا نمادهای شهری شاخصه‌های یک شهر را به مردم معرفی می‌کنند و رابط بین شهر و شهروند هستند و علاوه برجذب توریست و گردشگر در ایجاد درآمد هم نقش دارند.صبوحی ادامه داد: در شهر گرگان از شاخص‌هایی مانند کشاورزی، اقلیم، تاریخ و ورزش برخورداریم که می‌توانیم در بحث نمادسازی از آن‌ها بهره ببریم.صبوحی تصریح کرد: به‌عنوان‌مثال با معرفی بافت تاریخی و [illegible] میرداماد دیگر نمادی در گرگان ساخته نشد و لازم است نمادهای جدیدی ساخته شود تا بعد از گذر زمان تبدیل به نمادی تاریخی شود همان‌گونه که در سایر شهرها و کشورها شاهد آن بوده‌ایم. صبوحی ادامه داد: برای نصب المان‌ها حتماً باید مکان‌یابی انجام شود و محور توریستی و تاریخی آن مدنظر قرار گیرد چرا که در قطب دهی و آدرس‌دهی بسیار می‌تواند مؤثر باشد.وی گفت: در شهر گرگان افراد صاحب‌نظر زیادی هستند که می‌توانند در این زمینه اظهارنظر کرده اما متأسفانه گوش شنوایی برای آن‌ها وجود ندارد.برای اطلاع از برنامه های مدیریت شهری در این حوزه به سراغ فائزه عبداللهی رئیس شورای شهر گرگان رفتیم او در این رابطه اظهار کرد: در بودجه سال جاری مباحثی مبنی بر المان سازی در بحث شهری داشتیم.وی افزود: در مباحث عمرانی خود، این بودجه را برای سال ۹۶ در نظر گرفته ایم و دوست داریم المان ها در حوزه مشاهیر، مفاخر یک شهر و شهدای شهر ساخته شود که البته تاکنون محقق نشده است.متأسفانه نداشتن اطلاع و آگاهی کافی موجب شده متولیان شهرسازی و معماری در گرگان با مسئله ساخت المان و ... در سطح شهر همانند مسائل پیش‌پا افتاده برخورد کنند و تنها با قرار دادن سازه‌ای فیزیکی بدون داشتن معنا و مفهوم خاصی کاری انجام داده باشند.المان‌هایی که بدون هیچ جاذبه‌ای نگاه مخاطب را به خود جذب نمی‌کند و درنتیجه در درازمدت هم به‌عنوان اثری ماندگار جزو ویژگی‌های منطقه به‌حساب نمی آیند و این در حالی است که گرگان زمین علاوه بر بافت تاریخی و طبیعی خود مهد اسطوره‌هایی همچون محمدرضا لطفی هم بوده است، هنرمندانی که نه‌تنها در ایران بلکه در جهان آوازه جهانی دارند اما در شهر خود غریب در خاک خفته‌اند.

پرونده ۸ هکتار تصرف ادوار گذشته اراضی دولتی زیارت در دستگاه قضا

مدیرکل منابع طبیعی و آبخیزداری گلستان با تاکید بر اینکه ویلاسازی مدیران منابع طبیعی در زیارت صحت ندارد از پیگیری قضایی این اداره کل درخصوص تصرف ۸ هکتار از اراضی دولتی این روستا خبرداد. ابوطالب قزلسفلو در گفتگو با مهر اظهار کرد: مدتی قبل یکی از نمایندگان مردم در مجلس شورای اسلامی دستگاه های نظارتی را عامل اصلی زمین خواری گردنه حیران در آستارا و روستای زیارت در گرگان دانسته بود در شرایطی که هم اکنون ۸ هکتار از اراضی دولتی روستای زیارت که در بیش از یک دهه قبل به طور غیرقانونی از سوی برخی افراد فرصت طلب تصرف شده است از سوی منابع طبیعی در حال پیگیری قضایی است. وی احداث هفت هزار ویلا در روستای زیارت را کذب دانست و افزود: بر اساس اسناد قانونی موجود حوزه آبخیز زیارت حدود ۷ هزار هکتار است. مدیرکل منابع طبیعی و آبخیزداری استان گلستان با بیان اینکه برابر ضوابط و مقررات ۸۲۵ هکتار از اراضی روستای زیارت جزء مستثنیات قانونی اشخاص است، ادامه داد: روستای زیارت پیشینه و قدمتی ۲۰۰ ساله دارد و در خارج از طرح هادی و بافت روستا حدود دو هزار خانه احداث شده است. وی به ساخت و سازهای غیرقانونی در زیارت و تشکیل پرونده قضایی از سوی منابع طبیعی گلستان هم اشاره کرد و گفت: ۱۸ واحد خانه ویلایی و ۴۲ مورد حصارکشی و دیوارکشی در عرصه های منابع ملی به طور غیرقانونی در روستای زیارت در یک دهه قبل انجام شده که هم اکنون پرونده های آن ها در مراجع قضایی در حال پیگیری است. قزلسفلو با یادآوری اینکه مجموع مساحت اراضی ملی تصرف شده که در مراجع قضایی و حقوقی در حال پیگیری است حدود ۸ هکتار است، تصریح کرد: در سال های اخیر مسئولان و مراجع اجرایی، نظارتی و قضایی استان با حساسیت ویژه موضوع ساخت و سازها در حوزه زیارت را پیگیری و نظارت می کنند. وی با یادآوری اینکه گشت های ویژه یگان حفاظت منابع طبیعی به طور مستمر جهت پیشگیری و جلوگیری از ساخت و سازهای غیرقانونی و همچنین هرگونه تخریب و تصرف حضور دارند، خاطرنشان کرد: ۳۱ شهریورماه امسال افراد نقابدار به دو حافظ انفال جنگل های جنوب گرگان در روستای زیارت حمله کردند و آن ها را مورد ضرب و شتم قرار دادند و جنگلبان حسن صادقلو به دلیل جراحت وارده و خونریزی کلیه چند روز در بیمارستان بستری شد. قزلسفلو با بیان اینکه تلاش برای دستگیری ضاربان دو جنگلبان گلستانی ادامه دارد، تاکید کرد: موضوع ساخت و ساز در روستای زیارت و آنچه مبنی بر ویلا سازی توسط مدیران منابع طبیعی در منطقه مذکور در برخی رسانه های گروهی منتشر شده به هیچ عنوان صحت ندارد. به گفته وی مدیران منابع طبیعی استان گلستان و کشور هیچ گونه ویلایی در منطقه زیارت نداشته و اخبار منتشره در این خصوص کذب محض است.

۴۴۰ میلیاد تومان در سال ۹۵ صرف درمان گلستانی ها شده است

رئیس بیمه سلامت کشور گفت: ۴۴۰ میلیاد تومان در سال ۹۵ صرف درمان گلستانی ها شده است. به گزارش مهر، طاهر موهبتی در دیدار با نماینده ولی‌فقیه در استان اظهار کرد: یکی از آرزوهای جمهوری اسلامی استقرار نظام ارجاع در سطح کشور است چرا که یکی از مشکلاتی که در کشور وجود دارد این است که بیمار به‌محض اینکه نشانه‌هایی از بیماری را مشاهده کرد تلاش می‌کند به بالاترین سطح پزشک متخصص مراجعه کند که با این کار علاوه بر اینکه خودش دچار هزینه زیادی می‌شود هزینه‌های حوزه سلامت را هم افزایش می‌دهد. وی بابیان اینکه در دنیا تجربه خوبی در رابطه با نظام ارجاع وجود دارد، افزود: در بحث نظام ارجاع به زیرساخت‌های زیادی نیاز داریم که مهم‌ترین آن بحث آیتی است و استان گلستان به دلیل دارا بودن این زیرساخت به‌عنوان استان پایلوت انتخاب شد. موهبتی ادامه داد: البته یکی از مهم‌ترین زیرساخت‌های نظام ارجاع رفتار مردم است چرا که این طرح قاعده رفتار مردم را تغییر می‌دهد و معمولاً مردم چنین تغییر رفتاری را سخت می‌پذیرند. رئیس بیمه سلامت کشور گفت: طرح نظام ارجاع را در سال اول در ۱۰ استان و در بخش‌های روستایی و زیر ۲۰ هزار نفر را تحت پوشش قرار دهیم. وی افزود: در سال گذشته ۴۴۰ میلیارد تومان صرف هزینه درمان مردم شده است و ۶۳ درصد گلستانی‌ها تحت پوشش بیمه سلامت هستند. موهبتی اظهار کرد: بیمه سلامت قبلاً وابسته به وزارت رفاه بود اما بخش اعظم آن به وزارت بهداشت منتقل شد و با این انتقال هزینه‌های بیمه سلامت کاهش پیدا کرد. رئیس بیمه سلامت کشور گفت: وضعیت درآمدی کشور مطلوب نیست و ما نخستین خریدار در کشور هستیم و گلستان و بیشتر استان‌های کشور ۱۱ ماه به مراکز تجهیزاتی طرف قرارداد خود بدهکار هستند. وی ادامه داد: با توجه به تأکید رهبری در رابطه با اینکه بیمار دغدغه‌ای جز بیماری نداشته باشد بحث فرانشیت از ۳۷ درصد در بخش بستری به سه درصد و ۶ درصد رسیده است. موهبتی افزود: رئیس سازمان برنامه و بودجه اعلام کردند بدهی‌های طرح تحول سلامت به‌زودی پرداخت می‌شود نگاه مدیریت هزینه‌ها در دستور کار قرار داده‌شده است. وی بابیان اینکه خزانه با پرداخت حقوق با مشکل رو به رو است، تصریح کرد: درگذشته ۹۵ درصد نیازهای بیمار را به خارج از بیمارستان ارجاع می‌دادیم ولی در حال حاضر ارجاع بیماران به خارج از بیمارستان برای تأمین درمان تنها به سه درصد رسیده است. موهبتی افزود: یکی از دلایلی که هزینه‌های مردم در طرح تحول سلامت کاهش پیدا کرد این بود که نیازمندی‌های آن‌ها در امر درمان در خود بیمارستان تأمین می‌شد و به بیرون ارجاع داده نمی‌شد. وی ادامه داد: دکتر فاضل رئیس علوم پزشکی گلستان ۱۱ ماه پول از ما بدهکار هستند و از طرفی دیگر درآمدهای بیمارستان‌های ما از بیمه‌ها تأمین می‌شود اما برخی بیمه‌ها ازجمله تأمین اجتماعی بدهی کلانی به استان دارد.رئیس بیمه سلامت گفت: امیدوارم با توجه به نگاهی که رئیس‌جمهور به طرح تحول نظام سلامت دارند گشایشی پیدا شود.

آگهی‌های ثبتی

آگهی تحدید حدود اختصاصی

احتراما به استناد ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف تحدید حدود ششدانگ یک قطعه زمین که در آن احداث بنا شده است دارای پلاک ۱۱۶۵۱ فرعی از ۳ ـ اصلی بخش ۳ ثبت گرگان واقع در اراضی اوزینه به مساحت ۵۳,۲۷ مترمربع ملکی آقای غلامرضا گلشاهی فرزند محمدتقی ساعت ۹ صبح روز پنج شنبه مورخه ۱۳۹۶/۸/۱۱ در محل وقوع ملک واقع درگرگان ـ انقلاب۱۱ ـ روبروی زینبیه کدپستی۴۹۱۵۷۵۳۵۷۳ بعمل خواهد آمد. از این رو چنانچه مجاور یا هر شخصی نسبت به حدود یا حقوق ارتفاقی در ملک مذکور حقی برای خود قائل است می تواند ظرف سی روز از تاریخ تنظیم صورتمجلس تحدید حدود اعتراض خود را کتبا با ذکر شماره پلاک به اداره ثبت اسناد و املاک شهرستان گرگان تسلیم و علاوه برآن ظرف یک ماه از تاریخ تقدیم اعتراض به اداره ثبت، دادخواست خود را به مرجع ذیصلاح قضایی تقدیم و رسید آنرا ارائه نماید در غیر اینصورت متقاضی ثبت یا نماینده قانونی وی می تواند بدادگاه مربوطه مراجعه و گواهی عدم تقدیم دادخواست را دریافت و به اداره ثبت تسلیم نماید بدیهی است در صورت عدم وصول اعتراض اداره ثبت وفق مقررات مبادرت به صدور سند مالکیت خواهد نمود.
محمد اسماعیل پور ـ کفیل اداره ثبت اسناد و املاک گرگان ـ ۷۳۱ م الف

خبر

امیر عبدوس مدیر کل محیط زیست گلستان شد

با حکم معاون رئیس جمهور و رئیس سازمان حفاظت محیط زیست، امیر عبدوس مدیرکل محیط زیست گلستان شد. به گزارش مهر، با حکم عیسی کلانتری، معاون رئیس جمهوری و رئیس سازمان حفاظت محیط زیست کشور، مدیر کل جدید محیط زیست استان گلستان منصوب شد. پس از کش و قوس های فراوان مرگ هیرکان توله پلنگ رها شده در پارک ملی گلستان اواخر تیرماه امسال اسماعیل مهاجر مدیرکل سابق حفاظت محیط زیست گلستان استعفا داد. هرچند عده ای استعفای مهاجر را بی ارتباط با مرگ هیرکان نمی دانستند اما دلیل استعفا بازنشستگی مهاجر اعلام شد.پس از آن غلامرضا کریمی، معاون مهاجر به عنوان سرپرست این اداره کل مشغول خدمت شد و در این مدت کوتاه با حواشی بسیاری از جمله مرگ توله خرس قهوه ای پارک ملی گلستان مواجه بود تا اینکه در نهایت با حکم معاون رئیس جمهور امیر عبدوس مدیرکل حفاظت محیط زیست گلستان شد. عبدوس دانش آموخته دکتری حقوق و مدیریت محیط زیست بوده و مدیر کلی محیط زیست استان گیلان، مدیرکل دفتر زیستگاه ها و تالاب ها و معاون محیط زیست طبیعی اداره کل محیط زیست استان سمنان را در کارنامه خود دارد.

کم کاری برخی دستگاه ها زمینه ساز جرائم خشن است

فرمانده انتظامی گلستان گفت: ریشه بسیاری از حوادث و جرائم خشن و قتل‌ها، کم کاری برخی دستگاه ها در حوزه های فرهنگی و اجتماعی است که منجر به این اتفاقات می شود. سرتیپ دوم علی اکبر جاویدان در گفت و گو با ایرنا اظهار داشت: این کوتاهی ها باعث بروز حوادث تلخ می شود در حالی که با اقدامات فرهنگی و فرهنگ سازی می توان از بروز بسیاری از این حوادث پیشگیری کرد. وی عنوان کرد: بخشی از اقدامات ناجا به عنوان ابزار حاکمیت سلبی بوده که مجبور به اجرای ماموریت ها و برخوردهای فیزیکی است که فرهنگ سازی و اقدامات فرهنگی به کاهش این گونه ماموریت ها کمک می کند. سردار جاویدان با یادآوری اینکه ناجا به دنبال اجتماعی کردن موضوعات امنیتی است تا بسیاری از مشکلات انتظامی و امنیتی با فعالیت های اجتماعی و اقدامات نرم رفع شود، ادامه داد: هدف پلیس، جلب رضایت مردمی برای افزایش کیفیت خدمات در جامعه است.

اقتصادمقاومتی سرلوحه برنامه های توسعه علی آبادکتول قرار می گیرد

فرماندار علی آبادکتول گفت: مشکلات اقتصادی و عمرانی درشهرستان وجود دارد و اقتصاد مقاومتی، تولید و اشتغال که از تاکیدات رهبر معظم انقلاب است سرلوحه برنامه های توسعه قرار می گیرد. به گزارش مهر، حسن هدایتی در مراسم تودیع و معارفه فرماندار علی آبادکتول اظهار کرد: هم اکنون گرفتاری ها و مشکلاتی برای مردم شهرستان در عرصه اقتصادی، عمرانی، فرهنگی و اجتماعی به ویژه تولید و اشتغال و رفع بیکاری وجود دارد. وی با تاکید بر اینکه با توجه به اینکه پارامترهایی خاص و ویژه ای در این منطقه در حوزه صنایع وابسته به کشاورزی و گردشگری وجود دارد، افزود: باعنوان نماینده عالی دولت در شهرستان به عنوان یک هماهنگ کننده مقتدر و توانمند با عنایت به تاکیدات رهبر معظم انقلاب و سیاست عمومی دولت تدبیر و امید و پشتیبانی استاندار و نماینده و مدیران کل دستگاه های اجرایی بتوانیم بخشی از این مشکلات را حل کنیم. فرماندار علی آبادکتول ادامه داد: باید برای رفع معضل بیکاری، تولید و اشتغال و همچنین رسیدن به جامعه مترقی و دارای نظم و امنیت تلاش و برنامه ریزی کنیم لذا دست دوستی و مودت و تعامل خودم را به سمت همه گروه ها، اقوام، جناح ها و دلسوزان منطقه دراز می کنم تا منشا خیری برای پیشرفت و تعالی شهرستان باشیم. هدایتی با بیان اینکه سرلوحه قرار دادن اقتصاد مقاومتی در تولید و اشتغال شعار نیست بلکه یک اعتقاد قلبی است، اضافه کرد: اعتقاد دارم تکیه به فرهنگ خودکفایی، خود اتکایی و کار جهادی می تواند در کلید رستگاری و رهگشای موفقیت در همه زمینه ها باشد.

www.golshanemehr.ir
نسخه اینترنتی
روزنامه گلشن‌مهر

تولیدانبوه‌هیولا

در شناخت خط تولید پیشرفته داعش

صادق پیوسته–همه‌جا آدمیانی دیوآسا از زمین بیرون می‌آیند و هیچ نقطه‌ی امنی در زمین باقی نمی‌گذارند. این، آغازی است از پیش‌گویی‌های اساطیری وضعیت پیش از آرماگدون در اسطوره‌های اسلامی. در این اسطوره‌ها، با آکنده شدن زمین به آلوده‌ترین جهالت‌ها، صحنه‌ی جهانی برای ظهور منجی و زدودن بدی‌هاآماده می‌شود و آلوده‌ترین جهالت‌ها، همانا فریفتن جاهلان به‌ظاهر دین و اجرای جنایت‌های هولناک به نام دین است. جنایتی همچون وحشیگری تروریستی داعش در فرانسه، جهان ناامن پیش از منجی را به تصویر می‌کشد. همه اَز رخداد تروریستی پاریس شوکه شدیم، اما چرا؟ مگر چند سال نیست که از افغانستان، سوریه، یمن و بسیاری نقاط جهان، همین خبرها را می‌بینیم و می‌شنویم؟ مگر نه این که اندکی پیش از نعره‌ی تروریزم در فرانسه،لبنان به‌لرزه درآمد، هواپیمای روسی منفجر شد و صدها عراقی، مثل هر روز، پاره پاره شدند؟ آیا باز هم غرب‌محوری رسانه‌ها ما را فریفته است؟ آیا باید گفت دوباره غرب، اسیر احساسات صلیبی ضد مسلمانان شده است و هویت «دیگری‌ساز» به کار افتاده است؟ این‌ها را نمی‌شود انکار کرد و شاهدش هم نوکان‌ها و دیگر راست‌های افراطی هستند که دایم به ما یادآوری می‌کنند:طغیان این تروریست‌ها، به‌خاطر رحم عیسی‌وار است و تنها چاره‌ی آنان: خشم موسی‌وار! اما حرف من در این نوشتار، چیزی دیگری است: پاریس، آغاز ویژه‌ای است، به دلایل مختلف.

۱. داعش در خیابان و استادیوم و کنسرت کشتار کرد یعنی هدف خاصی وجود ندارد و وقتی هدف خاصی وجود ندارد، هر کسی می‌تواند هدف باشد. این یعنی وحشت منتشر، وحشتی که از فاشیزم و نازیسم فاجعه‌بارتر است. مرکززدوده است. هدف‌زدوده است. روش‌زدوده است. رحمی وجود ندارد. پس از کشتار، فایلی صوتی از داعشیان در شبکه‌های مجازی منتشر می‌شود که از این پس، حتی نمی‌توانید برای خرید خانه با خیال راحت بیرون بروید.

۲. داعش همه را، نه تنها در فرانسه بلکه در همه‌ی دنیا، هدف گرفته است. امریکا، ایتالیا، آلمان، ایران، عراق و هر جای دیگر! همه رارسما تهدید کرده است. مسلمان و مسیحی، شیعه و سنی، گناهکار و بی‌گناه نمی‌شناسد. این تهدید، فرقه‌ای نیست. این روح سیال و هیولایی، به این ترتیب، لرزه در تمام جهان آرام انداخته و به ناگاه، همه‌ی جهان را هدف قرار داده است. این است رمز وحشت منتشر!

۳. خبرهای کشورهای درگیر جنگ داخلی یا خارجی، پس از مدتی عادی می‌شود اما داعش به قلب آرامش می‌زند! به شهر عاشقان، پاریس! و پیش از حمله، پلیس را خبر می‌کند. منفجر می‌کند و می‌گوید من از پلیس قوی‌تر هستم. آن اصل اطلاعاتی را که هر چه قابل پیش‌بینی است، قابل کنترل است، دور بیندازید. من فاجعه‌ای هستم که قطعا رخ می‌دهم و قابل کنترل هم نیستم!

۴. وحشت تروریزم داعشی در پاریس، وحشت سلاخ‌خانه بود. این وحشت ناپیدا که بااطلاع قبلی و بی‌نشان مشخص، ناگهان سر می‌رسد، مثل دشمنان زمین در فیلم‌های هالیوودی، با شکنجه می‌کشد، در حضور جمع می‌کشد، وحشیانه می‌کشد، یکی یکی و جمعی می‌کشد و از وحشت دیگران در دیدن شکنجه و کشتن همنوع‌شان لذت می‌برد. لذت می‌برد، چون وجود قاتل، آکنده از انتقام است و دیگر، همنوع مقتول نیست. هرچه دیگران بیشتر وحشت می‌کنند و آزار می‌بینند، او بیشتر لذت می‌برد و فردیت داعشی، اگر چنین نامی بر آن بگذاریم، فاشیستی است چرا که با کلیت داعش و دولت داعشی، یکی است. داعش، یک فرد، یک جمع و یک دولت است. داعش، همان داعشی است.

۵. داعشی، شکست ناپذیر جلوه می‌کند. او پیشاپیش نزد خود، شهید و شاهد است. او انتخابش را کرده است: انتحاری است! به مدرن‌ترین فناوری انفرادیِ ضداجتماعیِ کشنده، مجهز است. بمبی که به کمر بسته است یعنیَ مرگ برَای او با زندگَی فرقی ندارد. مرگ او، همزمان، مرگ بسیارانِ پیرامون اوست پس نمی‌توان به او حمله کرد! او درکِ ما از جرأت و جسارت را زیر سؤال می‌برد. اگر جماعتی را گروگان بگیرد، هیچ یک نمی‌توانند قهرمان و ناجی دیگران باشند. با هر حرکتی، همه منفجر می‌شوند و این هیولایِ پیشاپیش پیروز، عقل ابزاری و ارزشی را همزمان آچمز می‌کند.

۶. داعش، تمامی ندارد. راهی جدید پیش پای محرومان زخم‌دیده‌ی دنیای ما که دنیای نابرابری فزاینده است، باز می‌کند. اقتدار دولت و هر چه اقتدار سیاسی است، با این هیولای سیال، می‌شکند. آنگاه، این آتشفشان از جان‌گذشتگان کشنده را کدام آتش‌نشانی فروخواهد نشاند؟ داعشَ می‌گوید: اگر خودَ را آسیب دیده می‌دانید، آسیب بزنید. دنیای امن فرادستان رابپاشوبید! فرودستان جهان، بکُشید! زندگی شما جز مرگ تدریجی نیست، با کشتن فرادستان، مرگی هیجان‌انگیز را تجربه کنید! در دنیایی که لذت فردی را مهم‌ترین چیز می‌داند و جامعه در بازار همه‌چیز و بازاری شدنَ همه چیز فراموش می‌شود، این هم لذتی جدیدَ است که به بازار آمدهَ است! سربازان داعش از گور نابرابری در می‌آیند. گوری که اکنون، زیرزمینی پهناور از ساکنان تبعیدی زمین شده است!

۷. و به این ترتیب، دموَکراسی وقتی هست که برای همه باشد و اگر دموکراسی با جنگ به خاورمیانه برود، با تروریزم از خاورمیانه باز می‌گردد. داعش این دموکراسی را به زانو در آورده است. به پاریس بنگرید و به شهرهای مهم اروپا و همه‌ی جهانی که تهدید داعش را حس کرده است. تصویر شهرهایی پر از پلیس و ارتش و حکومت نظامی و دستور تخلیه‌ی اینجا و آنجا و پذیرش همگانیِ وادادنِ حقوق فردی به ملیتاریزم اجباری! حقوق و انتخاب فردی که سهمی ناچیز از آن، با وسواسبه جامعه داده می‌شد، اینک بی هیچ بهایی و یک‌جا به پیشگاه نیروهای امنیتی تقدیمِ می‌شود.

۸. آیا از آوارگان باید ترسید؟ آری و اینجا جای شعار نیست! اگر اروپای غربی و امریکا نتوانستند در روند آرام و قاعده‌مند مهاجرت از دیگر کشورها، فرهنگ‌پذیری و جامعه‌پذیری مناسبی را در انتخاب فردی مهاجران جاری سازند، شگفت نیست که در موج ناگهانی ورود آنان، دچار مشکلات صدچندان شوند و وازدگان فرودست و خشونت‌ورز را تولید انبوه کنند. در مورد دنیایی که باید باشد سخن نمی‌گویم. در این دنیایی که هست، روزنه‌ای به روشنای پذیرش برادرانه‌ی مهاجران آواره نیست. کافی است به کمپ‌های مهاجرانی که از ترکیه و دیگر کشورها به اروپا سرازیر می‌شوند سری بزنید. بسیاری از آنان، هم‌اکنون در رؤیای انتقام از غرب، هم‌میهنان مخالف خود، دگرباشان اجتماعی، آزادی‌های اجتماعی لیبرال که، به زعم آنَان، اخلاَق و آخرت فرزندانشان را نشانه رفته است و هزار انتقام دیگر هستند. چه کسی می‌تواند حسن نیت خود را به اینان نشان دهد و چه میزان، از آنچه حسن نیت می‌نامیم، وجود دارد؟

۹. جست‌وجوی ریشه‌های این هیولای سیال، بنیادگرایی خشن، در متون مقدس چه اسلامی و چه غیر آن، اشتباهی است که به لذت‌های اندیشه‌ورزی آکادمیک مربوط می‌شود. پرکتیس داعشی از راه‌حل مدرن برای پرابلماتیک عتیق زاده می‌شود. اگر مسألهَی شما، مسأله‌ی سیاست مدرن نباشد یعنی به توزیع قدرت سیاسی با گفت‌وگو و وزن‌سنجی آرا نیندیشید و همان منطق دیرینِ «من حق ام و غیر من باطل است پس غیر باید حذف شود تا حق بماند» را برگزینید، هر چِه ابزارهای مدرن‌تری را به کار گیرید، هولناک‌تر می‌شوید. شناختن تفکر داعشی نیز با چنین دقت نظری باید همراه باشد.

۱۰. در متون و فرقه‌های دینی، دعوای اهل حذف و مصالحه، اهل جدال و تساهل، بوده و هست؛ بنیادگرایی، پاسداریِ اصل و اساس، یک سوی این درگیری است. به همین دلیل، بنیادگرایی از حِوزه‌های دینی و محل‌های مباحثه بیرون می‌آید و حقیقت دینی را راه نجات معرفی می‌کند. در مقابل، سران داعش و بنیادگرایی خشَن را به طور کلی، در میان تحصیل‌کردگان دانشگاه‌های مدرن پیدا می‌کنید. نه تنها ابزارهای کشنده‌ی آنان مدرن است، ایدئولوژی‌سازی آنان نیز مدرن است. ابزارهای ارتباطی آنان نیز مدرن است و فراتر از این، آنان تنها در ابزارهای ارتباطی مدرن امکان بقا دارند. داعشیان، وحشیانه‌ترین کشتارها را به صورت ویروسی به اشتراک می‌گذارند تا همگان ببینند. اگر اهالی دین در دنیای مدرن، می‌کوشند با انواع استدلال و نمایش‌های مختلف، دین خود را انسان‌دوست و عقلانی نشان دهند، داعش از شهرت بد دین خود، ابایی ندارد. کسانی که این وجه مدرن تروریزم دینی را به خوبی نمی‌شناسند، قرآن و تسبیح را در تصاویر داعشیان پیدا می‌کنند یا وارد می‌کنند تا دین را همچون دشمن بپرورند و مسأله را به سادگی حل کنند. داعش، انحرافی مذهبی است، مسأله‌ی اصلی اما چیز دیگری است: مهم‌ترین دلبستگی داعشی، اسلحه‌ای است که در دست دارد نه کتاب مقدس! مهم‌ترین مقدس برای او، همان بمب و اسلحه است. با آنان زندگی می‌کند و با آنان، خود را و دیگران را به دنیای ناآرام خود فرو می‌برد. تضمین رستگاری او، بقا و فنای او، با بمب و اسلحه است.

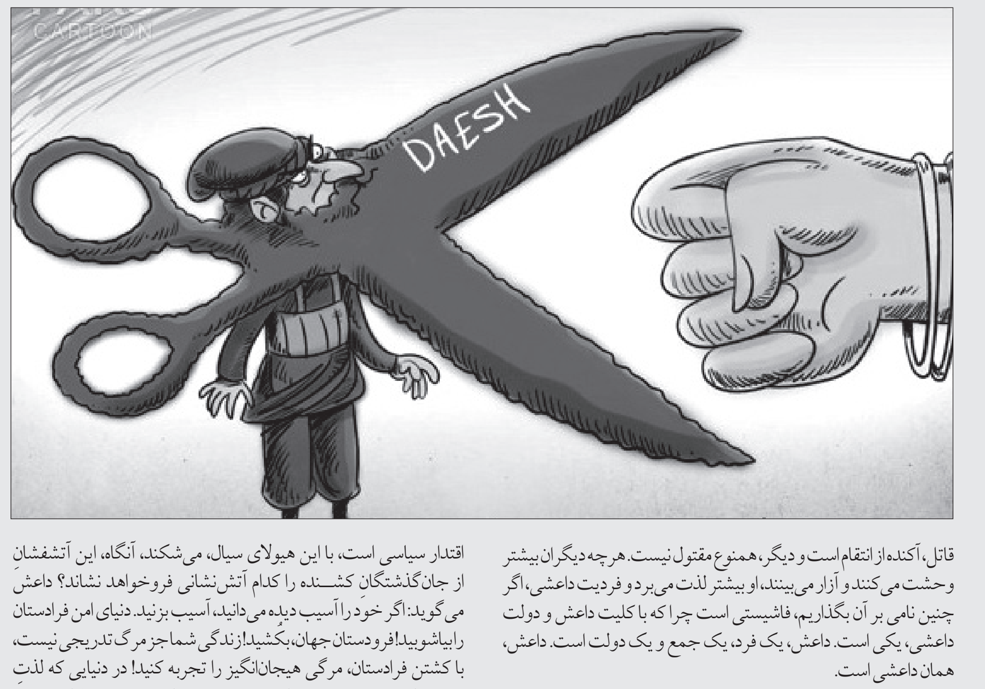

سلفی‌گری در جهان اسلام

دانیال باقری

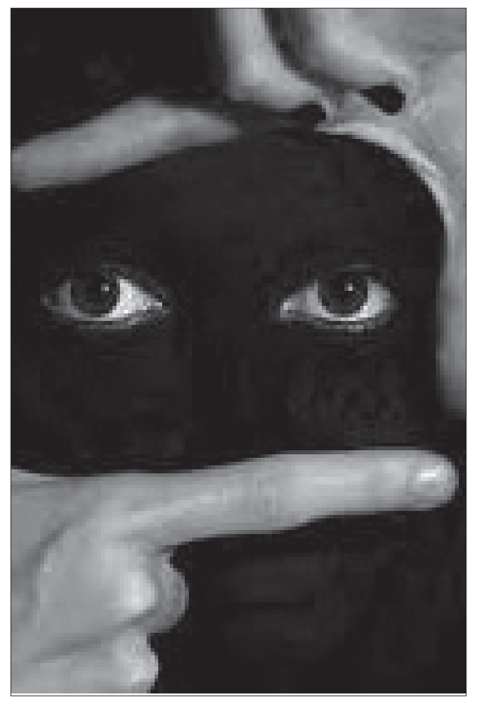

در ۱۷ دسامبر ۲۰۱۰،دستفروش جوان تونسی معروف به محمد بوعزیزی در اعتراض به توقیف کالاهایش و مشاجره لفظی با یک مأمور شهرداری خود را در مقابل ساختمان شهرداری به آتش کشید. این اقدام آغازگر جرقه‌یانقلابی در تونس شد که شعله‌های حاصل از آن به حکومت ۲۳ سالهزین‌العابدین بن علی در این کشور پایان بخشید. آتشی که زبانه‌های آن به سرعت گریبان مصر و پس از آن کشورهای دیگر عربی ازجمله عمان،الجزایر،یمن،اردن،بحرین، لیبی و...را فرا گرفت. تحرکات رادیکال گروه‌های تکفیری همواره در منطقه خاورمیانه فعال بوده اما پس از حوادث موسوم به «بهار عربی» جریان سلفی‌گری و نوسلفی‌گری وارد فاز جدیدی شد.

برای تحلیل سلفی‌گری، بر خلاف فلاسفه و متألهین که به کاوش ریشه‌های عمیق و زوایای ناشناخته ذات و ماهیت پدیده ها می‌پردازند در جامعه شناسی برونداده‌ها و ثمرات کنش‌ها مورد توجه قرار می‌گیرد.جهان اسلام به لحاظ جغرافیایی، گسترده‌ و از نظر فرهنگی نیز بسیار متنوع است. خاورمیانه و شمال آفریقا که قسمت اعظم جهان اسلام را تشکیل می‌دهد، از یک عقب‌ماندگی تاریخی رنج می‌برند و این عقب‌ماندگی هم ریشه‌های درونی و فرهنگی دارد و هم منشأهای بیرونی. در سال‌های اخیر همواره فقر و مشکلات اقتصادی گسترده در این کشورها به همراه اقتدارگرایی و سلطه موروثی (Patrimonialism) دولت‌های منطقه از یک‌سو و توهین و تحقیر از بیرون، توأمان همواره در جریان خیزش مردم این منطقه ایفای نقش کرده‌اند. از این رو باید به همزمانی بحران‌هایی چون بحران توزیع، بحران مشارکت، بحران مشروعیت و به نوبه‌ای بحران هویت در این کشورها توجه کرد.نکته بسیار مهمی که در تحلیل این جریانات نباید از آن غافل بود، روند جهانی شدن و مسائل و مباحث همراه آن است.ظهور و شکل‌گیری سلفی گری و نوسلفی گری،یکی از مهم ترین رویدادهای ایدئولوژیکی و فکری تاریخ مسلمانان به شمار می‌آید که توانسته است به پشتوانه ی ادبیات فقهی و کلامی و نیز نشانه شناسی متکی بر شبکه ی معنایی گسترده،نیاز به گرایش‌ها و جریان‌های سیاسی سلفی را مجسّم و آنها را در اشکال روز،بازتولید کند.با تبارشناسی اجمالی در خواهیم یافت که علت ظهور گروه‌هایی هم‌چون داعش را باید در معنای انضمامی و تاریخی آن با تمام تناقضاتش پی گرفت؛ گردآمدن گروهی از آدمیان با ایدئولوژی سلفی– جهادی که در تقابل با سایر گروه‌های انسانی، امکان وقوع جنگ و کشتار را تنها وسیله برای شکل‌گیری قلمرو حاکمیت خود می‌دانند.

نقش و جایگاه دین

مواجهه با دین و نسبت آن با حوزه سیاسی در خاورمیانه عموما به سه دسته قابل تفکیک است: الف– جریان دینی که علت انحطاط و عقب‌ماندگی جوامع مسلمان را دوری جستن از تعالیم راستین دین مبین می‌دانند. اینان معتقدند که بدعت‌ها و خرافه‌ها، جوامع مسلمان را از اندیشه‌ورزی درست در دین و دنیا بازداشته است و برای برون رفت از این توسعه‌نیافتگیباید به سرچشمه‌های زلال دین بازگشت. ب– جریان علم‌گرای سکولار که رویکردی متضاد با جریان اول دارند. این جریان، رهایی از انحطاط و پسرفت را در تشکیل دولت‌های سکولار و به‌کارگیری دانش مدرن دیدند. بورژوازی عربی غرب‌گرا در شکل‌گیری این جریان نقشی پررنگ داشت. ج– جریان تلفیقی که درپی اتخاذ راه میانه‌ای برای آمیزش طرح دین‌مدارانه با سکولاریسم بود. پنداشت آنان مبنی بر میانه دانستن اسلام در برآوردن نیازهای مادی و معنوی به این اعتقاد ختم شد که فرد توانایی بهره‌گیری از هر تمدنی را بدون از دست دادن ویژگی‌های بنیادین خود داراست. روحانیون روشنفکر یا نحله ای موسوم به نحله ی روشنفکران دینی در این نحله‌ی فکری جای می‌گیرند.سلفی‌گری جریانی ریشه‌دار در تاریخ اسلام‌است. البته‌باید سلفی‌گری راازنوسلفی‌گری تفکیک کرد. نوسلفی‌ها، سلفی‌های جهادی‌اند که ظهوروبروز آنهاعمدتابه دهه ۸۰میلادی قرن‌بیستم برمی‌گردد. اگر بتوان به‌لحاظ تاریخی و ایدئولوژیکی نقطه معینی برای این جریان مشخص کرد باید به «سیدقطب» بازگشت. او عضو اخوان‌المسلمین و تحت‌تاثیر «ابوالاعلی مودودی»، متفکر پاکستانی بود که ایده تاسیس حکومت اسلامی را مطرح کرده بود.

سوریه را در نظر بگیرید، اسلام در ساختنِ یک ملیّت سوری، ستون اصلی نیست. نخست به خاطر اینِ‌که اسلام درَ سوریه یک باور واحدِ همگون نیست، و اسلامی که معمولاً به‌عنوان اسلام سوری عرضَه شدَه، اسلام سُنّی است. علوی‌ها، مسیحی‌ها، شیعیان، دروزی‌ها، ایزدی‌ها، اسماعیلی‌ها و دیگر فرقه‌های اقلیت که دستکم سی درصد جمعیت این کشور را تشکیل می‌دهند–همگی به‌خاطرواقعیتی مربوط به تولدشان،ازقلمروتسنّن بیرونمی‌افتندروهلهیاولاینبدانمعناستکهاقلیتهایکشورتحتستمقرارمیگ یرندومجبوربههمسازیباارزشهایدینیایمیشوندکهخارجازآنهابهدنیاآمده اند و ارزش‌هایی نیستند که در اصل با باور به آن‌ها بزرگ شده‌اند. در وهله‌ی دوم بدان معناست که دولتی تأسیس می‌شود که در آن شهروندان در زمینه‌ی حقوق و مسئولیت‌ها برابر نیستند. به‌علاوه، استدلال‌های اسلام سیاسی سوری بر این مبنا ساخته شده‌اند که اکثریت سوری‌ها مسلمانان سُنّی هَستند و با این فرض می‌کوشد تمایز درونی بین افراد و اجتماعات را محو و حاکمیتی اقتدارگرایانه را تأسیس کند. در سال‌های اخیر داعش همه‌ی دولت‌های معاصر منطقه را نه فقط درمقام نهادها و جمعیت‌های سیاسی، بلکه همچنین به معنایی جغرافیایی، به سوی نسبیت و زوال‌پذیری رانده‌است.داعش،دینِ مسلمانان رابهمواجههایپرسشگریزناپذیرکشانده‌است: آیا اسلام واقعاً دینی است که به ندای عدالت و نیکوکاری سر می‌دهد، یا دستورنامه‌ی کشتار و حکمرانی با ارعاب است؟ آیا باور به این‌که «حاکمیت الهی» و «اجرای شریعت» می‌تواند به چیزی غیر از داعش بینجامد؟ به نظر می‌رسد فروکاستن اسلام به تحرکات غیرانسانی داعش ساده انگارانه‌ترین تحلیل باشد. از این‌رو باید به عوامل چندگانه بنیادین در شکل‌گیری و گسترش چنین تفکرات رادیکال درون گفتمان اسلام توجه نمود.

ایدئولوژی سلفی

الگوی فکری و اعتقادی و علمی و روحی همه سلفی‌ها ابن‌تیمیه حرانی می‌باشد که به اختصار به او لقب «شیخ‌الاسلام» داده‌اند.همه ی این گروه‌ها، استفاده از خشونت علیه رژیم سیاسی را با تأسی به اندیشه های سید قطب، توجیه می‌کردند. تفسیر آیات جهاد و قتال در قرآن و زندگی برخی فقهای تندرو اهل سنت نظیر ابن تیمیه برای ساختن و پرداختن آن چارچوب ایدئولوژیک مورد بهره‌برداری قرار گرفت.مهم‌ترین و مؤثرترین مبنای کلامی این گروه‌ها، توسعه‌ی معنایی و مصداقی کفر است. آن ها به قدری دایره ی کفر را وسعت بخشیدند که هرکسی غیر از خودشان را در بر می‌گیرد. شرک و کفر نزد سلفیان سنتی، بیشتر شامل توسل به اولیا، نذر، شفاعت و زیارت قبور بوده، ولی شرک و کفری که سلفیان جدید به آن معتقدند تقریباً همه‌ی شئون زندگی اجتماعی و مدنی شخص را در بر می‌گیرد. این جریان نه تنها به شدت ضدمسیحی و ضدیهودی است، بلکه حتی دارای جهت‌گیری شدیدِ ضدشیعی است. نوبنیادگرایان در حقیقت اعتقاد دارند که اسرائیل، آمریکا و ایران برای نابودی اسلام راستین، متحد شده‌اند.اوج نضج یافتن این تفکرات–حمله آمریکا به افغانستان و عراق بود که واکنش‌های جهادی و مبارزه‌جویانه را تشدید کرد، تا جایی که «القاعده» و «جبهه النصره» در واکنش به مظاهر مدرنیته و دموکراسی غربی رشد کردند. پس از آن، در گروه‌هایی نظیر «داعش» جابه‌جایی استراتژیکی رخ داد. آنها به این نتیجه رسیدند که مساله فوری‌شان پیش از آمریکا و دولت‌های غیرمسلمان غربی مساله دولت‌های ظاهرا مسلمان اما در واقع کافر است. در همین مقطع نوسلفی‌ها اسلام و کفر را بازتعریف کردند. در نظر آنها اسلام و سلف آنهاکسانی هستند که مثل آنهافکر می‌کنند و «دیگری» نیز تمام کسانی هستند که برخلاف آنها می‌اندیشند، هرچند به ظاهر مسلمان باشند. یکی از شعارهای آنها این است: «من لم یکفر الکافر فهو کافر»» هرکس کافری را کافر نداند؛ خود، کافر است». آنها خطر مسلمان‌های غیر از خود و در راس آنها حکومت‌های کشورهای اسلامی را فوری‌تر می‌دانند. در نتیجه در نظر آنها سرنگونی این حکومت‌ها مقدم بر مبارزه و جنگ با غرب و آمریکا بود.

عوامل خارجی

کشورهای غربی بر مبنای هراس ناشی از سلاح‌های کشتار جمعی تهاجم به عراق را برای مردم جهان توجیه کردند. روشنفکران حامی جنگ در محافل آکادمیک با طرح نظریه «الگو » از حملات گسترده و استقرار پایگاه‌های نظامی متعدد در خاورمیانه دفاع کردند. این کارشناسان نومحافظه‌کار بااستناد به ملیت ربایندگان هواپیماهای ماجرای ۱۱ سپتامبر که شهروندان عربستان سعودی، امارات، سوریه، لبنان و مصر بودند و همچنین تحرکات حماس و حزب اله، خاستگاه تروریسم را جهان عرب و به طور کلی ژئوپلتیک اسلام معرفی نمودند. در عصر «صنعت فرهنگ‌سازی» دولت‌های غربی بااستمداد از هژمونی رسانه‌ای گسترده، خاورمیانه را منطقه ای تروریست پرور نشان دادند و این هراس از اعراب را به بدنه جوامع خود القا نموده که هر چه سریعتر می‌بایست با حضور نظامی نسبت به دفع سلاح‌های کشتار جمعی و برقراری دموکراسی (البته از نوع بازار آزاد) اقدام ورزید. جرج بوش در پاسخ به منتقدان دخالت نظامی آمریکا در خاورمیانه علت تهاجم را «گسترش آزادی در منطقه‌ای متشنج» اذعان کرد. با نگاهی تبارشناسانه به «نظریه الگو» در خواهیم یافت که آزادی مورد نظر آزادی شرکت های فراملیتی غربی است. عراق در حوادث پسا ۱۱ سپتامبر اولین گزینه منطقه بود که این الگو در آن اجرا شد.در ساعات اولیه حمله هوایی به عراق دکل های مخابراتی و فرستنده های رادیو و تلویزیون مورد اصابت قرار گرفت و بسیاری از شهروندان به دلیل انهدام شبکه تلفن و بی اطلاعی از وضعیت خانواده و بستگان خود متحمل رنج و عذاب روانی بسیاری شدند. توماس فریدمن از بنیانگذاران مکتب شیکاگو در آن روزها به صراحت نوشت: « ما در عراق ملت سازی نمی‌کنیم، ما ملت خلق می‌کنیم». این الگو برای اولین بار در ۱۹۷۳ در شیلی و ماجرای آلنده و پینوشه آغاز شد. الگویی که با تلفیقی از نظریات مکتب اقتصادی شیکاگو و نیروی نظامی آمریکا در اقصی نقاط جهان با کودتاهای متعدد اقدام به ویران ساختن پایه‌های اقتصادی موجود و بنیان الگوهای جدید نموده است. رسانه‌های غربی در قضاوتی پارادوکسیکال تهاجمات اولیه را موفقیت آمیز اما اشغال و تداوم حضوری نظامی در خاک کشورهای منطقه را مورد انتقاد قرار می‌دهند. در صورتی که «تهاجم» و «اشغال» هر دو بخشی مشترک از یک راهبرد واحد است. حملات و دخالت‌های نظامی خارجی همواره یکی از متغیرهای مهم در تحلیل پدیده‌سلفی گری‌است.

عوامل داخلی

در تحلیل بنیادگرایی بی‌تردید عملکرددولِ غربی در تاریخ معاصر خاورمیانه متغیری سرنوشت‌ساز است اما از سوی دیگر نمی‌توان به راحتی عملکرد دولت‌های خاورمیانه در دهه‌های اخیر را نادیده انگاشت. عملکردی که با انقیاد، سرکوب و فقدان آزادی‌های سیاسی و اجتماعیهمراه بوده است. تفاسیر خشونت‌آمیز ازمتون دینی نیز ایده‌هایی درون خلاء نیستند، ازیک‌سو به شرایط مادی–تاریخی برمی‌گردند و از سوی دیگر به امکانات متون دینی برای ایجاد چرخه‌ی خشونت مربوط می‌شوند. درواقع می‌بایست تلاش کرد پیوندهای تاریخی این بحران را در تمامیت خود درک نمود، بی آنکه تفاوت‌ها و زمینه‌های متفاوت اجتماعی–سیاسی آن در مناطق مختلف را نادیده انگاشت.جنگ‌های داخلی تکانه‌ی خاص خود را ایجاد می کنند. آن‌هامراحل مختلفی را طی می کنند و رهبران و جنگ‌سالاران متفاوتی پدید می‌آورند.نظام جهانی فقط غرب نیست، و فقط بر غرب اتکا ندارد، حتی اگر غرب مرکز آن باشد. دولت‌های منطقه نیز درون این نظام هستند، و تا حد زیادی با دامن زدن به اسلام‌گرایی خشونت‌باری که بقیه‌ی جهان را به شیوه‌ای افراطی و پوچ، نفی می‌کنَد و با استبدادی که بر مردم خود روا می‌دارند به خصم دموکراسی مبدل گردیده و به تقویت ارتجاع یاری می‌رسانند. از سوی دیگر بخشی ازتوده و قشر روشنفکر که گرایشات ناسیونالیستیدارند با تمرکز بر تعصبات و مؤلفه های بومی به گسترش و تقویت استبدادهای داخلی کمک شایانی می‌نمایند. بدین ترتیب علیرغم نفی نظام جهانی با توجه به ملی‌گرایی در عمل،این قشر نظام جهانی را در سیاست و فرهنگ خود بازتولید می‌کنند و هیچ راه خروج یا بدیلی در برابر آن عرضه نمی کنند. البته آنچه بر همه‌ی این موضوعات سایه افکنده، مسأله‌ی امنیت است. چالش حفظ امنیت در منطقه‌ای چنین بی‌ثبات، عیار نظام دموکراتیک جدید کشور را می‌سنجد. دولت باید در عین احترام به حقوق فردی و حاکمیت قانون، از شهروندان حفاظت کند. این واگذاری حق برقراری امنیت به دولت‌ها آنگونه که فروم نشان داد به گریز از آزادی می‌انجامد. چنین وضعیتی شرایط را برای ظهور آنارشیزم و رادیکالیزم در منطقه فراهم ساخته‌است.

بحران‌هویت

کسانی که با پاسپورت غربی به «داعش» می‌پیوندند، معمولا از نسل دوم و سوم مهاجران مسلمانی هستند که دچار بحران هویت‌اند. این افراد با شکاف‌های طبقاتی و تبعیض‌های اجتماعی درون جوامع غربیدست‌وپنجه نرم می‌کنند و «داعش» به آنها هویت می‌دهد.ساختار اصلی شخصیت انسان آنگونه که فروید نشان داد در دوران کودکی شکل می‌گیرد. شهروند درجه دوم بودن به درونی شدن عقده حقارت از دوران کودکی در میان این افراد می‌انجامد. داعش از حیث یارگیری به وسیله اینترنت از گروه‌های بنیادگرای دیگر متمایز است و عملا به مکانیزمی دامن می‌زند که نیچه‌آن را «کین توزی» نامید. پرسش اساسی این است چگونه کسانی که در محیط تربیتی سکولار اروپا پرورش یافته‌اند به بنیادگراترین فرقه‌های اسلامی متمایل شده‌اند و چرا این جوامع نتوانسته آنها را درون خود بپذیرند و یا حداقل جذب ساختارهای اجتماعی–فرهنگی خود کنند. دول غربی از سویی سخن از حقوق بشر و صلح و پایان‌دادن به جنگ می‌گویند و از سوی دیگر تسلیحات نظامی به کشورهای متخاصم می‌فروشند. طنز تاریخ آنجاست که کشورهای عضو شورای امنیت بزرگترین تولیدکنندگان و فروشندگان اسلحه در جهان هستند. پس از وقایع پاریس دولت آمریکا تسلیحات نظامی دیگری به عربستان فروخت. رقص شمشیر اخیر ترامپ در عربستان ۱۱۰ میلیارددلار را به خزانه آمریکا سرازیر کرد – قرارداد تسلیحات نظامی که در سال‌های آینده تا سقف ۳۰۰ میلیارد دلار افزایش خواهد یافت. بی‌شک یک وجه این بحران‌هویت متوجه خود خاورمیانه است اما نمی‌توان در تحلیل وضعیت، عملکرد کشورهای غربی در بروز این بحران‌هارا مورد پرسش قرار نداد.

سخن‌پایانی

مواضع و دیدگاه‌های گروه‌های سلفی از نخستین روزهای شناسایی تا عصر حاضر، با توجه به شرایط زمانی و مکانی یا الزامات سیاسی اجتماعی، دستخوش تغییر و تحول بوده و گاه این دگرگونی‌ها موجب تعارضات جدی میان اعضای گروه‌های سلفی در جهان اهل سنت شده است.در مجموع، به نظر می‌رسد یک جریانی جهان امروز را درگیر خود ساخته است که نتیجه‌ی سه منشأ ادغام شده در یک پیکر است: سرچشمه‌ی دین، که به اقتدارهای استبدادی موجود و آنهایی که به‌زودی موجود می‌شوند مشروعیت می‌دهد؛ سرچشمه‌ی دولت‌های استبدادی که از یک نظام جهانی که تمرکزش بر مسئله‌ی ثبات است مشروعیت و کمک می‌گیرد؛ و سرچشمه‌ی خودِ این نظام جهانی که همچون ستونی برای شکل‌های گوناگون تبعیض، امتیاز و تعصب عمل می‌کند. و امر کهن که تلفیقی از تبعیض و تعصبی است که مورد حمایت زور قرار دارد؛ و خود این امر کهن هم از امتیازهای ویژه حمایت می‌کند. مجموعه این عوامل قوام‌بخش چهره‌ی ارتجاعی هستند که در جهان امروز درحال‌ظهور است.با نگاهی تاریخی به کنش‌های بشر و با درنظرگرفتن سرشتِ انسانی در می‌یابیم، هر کسی که روی زمین اتوپیایی را در ذهن می‌پروراند، محکوم به ناامیدی است. در حقیقت، نظم‌های اجتماعی که بر طبق ایدئولوژی‌های سیاسی ساخته شده‌اند، معمولاً از بینش‌های اولیه منحرف شده‌و حتی به‌عکس خود تبدیل شده‌اند؛ جان لاک با طرح ایده‌ی فردگرایی به دنبال تحقق آزادی‌بود، اما این ایده در عصر مدرن به نارسیسیزم و اگوئیسم انجامیده است. آرمان دست پنهان آدام اسمیت برای تنظیم یک بازار آزادِ مستقر در محدوده‌های اخلاقی، به‌نابرابری‌های دهشتناک، شکاف‌های طبقاتی و تولدانسان‌مصرفی انجامید. بزرگترین دغدغه مارکس همواره رهایی ستمدیدگان از درد و رنج استثمار بود اما مارکسیسم در عمل پیامدهای کاملا متعارضی با نظریات وی داشت. به تعبیر ماکس وبر: تاریخ، تاریخ نتایج اعمال ناخواسته است.

در تحلیل‌های جامعه‌شناختی یَک اصل اساسی وجود دارد که وفق آن: آثار و پیامدهای یکپدیده به مراتب مهم‌تر از خود آن پدیده است. در این نوشتار تلاش بر آن بود وجوه مختلف اثرگذار در پدیده سلفی‌گری و نوسلفی‌گریدر جهان معاصر تا حد امکان مورد واکاوی قرار گیرد.

دانشجوی‌دکترای‌جامعه‌شناسی

نگاه

منشا تروریست‌ها در جهان اسلام

داوود فیرحی – داعشی‌ها چند کتاب نوشته‌اند که بسیار مهم است. یکی از این کتاب‌ها کتاب اداره التوحش، نوشته ابوبکر ناجی، است. کتاب دیگر کتاب فقه الدماء یا مسائلی در باب فقه اسلامی است که این کتاب را ابوعبدالله مهاجر نوشته است. ظاهرا ابوبکر بغدادی هم بسیار تحت تأثیر این کتاب بوده است. چند کتاب دیگر هم تحت عنوان کتائب الاسلامیه؛ یعنی گردان‌های اسلامی نوشته شده است. این کتاب‌ها به‌خصوص کتاب اول یعنی اداره التوحش گفت‌وگوهای بین خود تروریست‌ها و محاجه‌هایی را که بین آن‌ها مطرح شده است بیان کرده است. خلاصه استدلال ابوبکر ناجی این است که یا استعمارگران در جهان اسلامی سلطه دارند یا مستبدانی که دروازه ورود استعمار به جهان اسلام هستند. همچنین در جهان اسلام دموکراسی شعاری بیش نیست. هیچ‌کسی اجازه نخواهد داد که مسلمانان ایده‌های خودشان را به‌صورت دموکراتیک اجرا کنند. در همین زمینه به مشکلات مصر اشاره می‌کند. نویسنده می‌گوید دموکراسی‌خواهان جهان اسلام آن‌قدر تلاش می‌کنند و سرکوب می‌شوند که سرانجام مأیوسانه پیر می‌شوند و ناامید از دنیا می‌روند؛ یعنی برای آن‌ها راهی وجود ندارد و راه دموکراسی کاملا بسته است. در ادامه از سودان و حسن الترابی، الجزایر و علی بن حاج و از مصر و محمد مرسی مثال می‌آورد. از سوریه و سرکوب حافظ اسد در دهه هشتاد، سرکوب‌های صدام و وضعیت یمن و اردن شاهد می‌آورد و می‌گوید شما چه زمانی در این راه پیروز شدید؟ به ما نشان دهید چه زمانی این راه به نتیجه رسیده است؟ ابوبکر ناجی می‌گوید ما با دو ضرورت روبه‌رو هستیم، اول اینکه ما چاره‌ای نداریم که تغییری در این جهان ایجاد کنیم. دوم اینکه راه‌ها آن‌قدر بسته است که ما چاره‌ای جز خشونت نداریم. پس خشونت را از باب ضرورت تئوریزه می‌کنند و برای آن دلیل شرعی نمی‌آورند و حتی اگر دلیل شرعی هم باشد دلیل شرعی ثانویه است. نویسنده می‌گوید اگر ما بخواهیم تغییری ایجاد کنیم، باید نظم موجود را بشکنیم، نظم موجود نیز جز با خشونت شکسته نمی‌شود. ابتدا ویرانی‌هایی تولید می‌شود تا نظم دیگری ایجاد شود؛ بنابراین چاره‌ای نیست که فاصله نظم موجود و نظم آینده را که دوران بی‌نظمی و به تعبیر آن‌ها دوران توحش است را تحمل کنیم. دقیقاً توجیه آن‌ها شبیه توجیه مارکسیست‌ها از دیکتاتوری پرولتاریاست. مارکسیست‌ها می‌گفتند دیکتاتوری پرولتاریا دیکتاتوری موقتی است که راه را برای دموکراسی باز خواهد کرد. البته هیچ‌وقت این راه باز نشد و هفتاد سال جهان کمونیستی در این مقدمه ماند و بعد هم منقرض شدند. مسیر استدلال ابوبکر ناجی همین است. ما در خوانش تروریست‌های جهان اسلام دو نوع سوگیری داریم. سوگیری اول این است که ما از پیش می‌گوییم این افراد ابزار استعمارند و دست‌ساخته امریکا، انگلیس و اسرائیل هستند. وقتی چنین اعتقادی داشته باشید دیگر احتیاجی نیست که ماهیت آن را شناسایی کنید. چون با یک بدبینی ذاتی به «دیگری» یعنی اروپایی‌ها و امریکایی‌ها نگاه می‌کنیم و هر اتفاقی در جهان اسلام را با دایی جان ناپلئونی تحلیل می‌کنیم و می‌گوییم اتفاقات جهان اسلام دست‌ساخت غربی‌هاست. سوگیری دیگر هم در آکادمی‌ها جاری است که در این منظر اعتماد عجیبی به مفاهیم و چارچوب‌های غربی داریم؛ یعنی ما یا دچار بدبینی مفرط هستیم یا دچار خوش‌بینی مفرط. هر دوی این حالت به این منجر می‌شود که ما تحولات جهان اسلام را نتوانیم از درون بفهمیم. بااینکه در کنار واقعه هستیم اما می‌رویم و از دور این منظره را نگاه می‌کنیم. پس بودن فیزیکی ما در خاورمیانه به معنی فهم درست ما از قضایای خاورمیانه نیست.

تازه های کتاب

دین و دولت در مکتب قرارداد اجتماعی منتشر شد

احسان مکتبی
دین و دولت
در مکتب قرارداد اجتماعی

رابطه دین و دولت از مهم‌ترین مباحثی است که دغدغه‌ی اندیشمندان مکتب قرارداد اجتماعی بوده است و بر وضعیت کنونی رابطه دین و دولت در دوران جدید نیز اثر گذاشته است.نوشتار حاضر در پی بررسی نقش و دست‌آورد این سنت فکری و پاسخ به این پرسش است که رابطه دین و دولت در مکتب قرارداد اجتماعی چه دست‌آوردی برای بشریت داشته است؟مدعای این کتاب آن است که «با وجود تفاوت‌های فکری بین اصحاب قرارداد اجتماعی، دغدغه‌های مشترک این اندیشمندان در مورد رابطه دین و دولت در نهایت با آموزه دین مدنی در اندیشه روسو به بلوغ و کمال خود رسیده است»

این کتاب بقلم احسان مکتبی در صد و هفتاد صفحه توسط نشر کویر منتشر شده است